



۸۷

سوسیالیسم امروز

۲۷ بهمن ۱۳۹۷ - ۱۶ فوریه ۲۰۱۹

www.simroz.org

S_zijji@yahoo.se

سرمدی: سلام زینبی

زنده باد روز جهانی زن!
زنده باد ۸ مارس ضد سرمایه داری!
Long live anti-capitalist March 8!

۱۳۹۷ 2019

8 March

برای برابری زن و مرد، و
رفع تبعیض بر حسب جنسیت
- نه به حجب، فرهنگ و قوانین
ضد زن مذهبی و مردسالارانه،
- نه به نظام سرمایه داری!
- نه به جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران
www.simroz.org

گفتگوی نشریه "سوسیالیسم
امروز" با رفقا مینا تهرانی، آذر
کیمیا، تینا خلیفه ای، و جلال.ش
از فعالین حزب سوسیالیست انقلابی
به مناسبت ۸ مارس،
روز جهانی زن
(۲۰۱۹-۱۳۹۷)

صفحه ۳

اعلامیه حزب سوسیالیست انقلابی

زنده باد

روز جهانی زن!

زنده باد ۸ مارس

ضد سرمایه داری!

۸ مارس (۱۷ اسفند)، روز همبستگی جهانی زن، روز اعتراض به تبعیض و نابرابری، روز اعتراض به سنن و قوانین مذهبی ضد زن، روز مبارزه با نظام حاکم مرد سالارانه، و روز مبارزه علیه نظام سرمایه داری به عنوان مسبب اصلی ستم و اعمال نابرابری و فرودستی زن در جهان امروز، مجدداً فرا رسید. برای ایجاد صف همبستگی جهانی روز زن به پرچم و پلاتفرم ۸ مارس ضد سرمایه داری و ضد کلیه دولت‌های حاکم و جنبش‌های ملی گرا و مذهبی آنها نیاز مبرم داریم. و در همین راستا برای پایان دادن به این ستم دیرینه و شرم آور تاریخی، بیش از هر زمانی روی آوری بدون ابهام به سیاست انقلابی ضد سرمایه داری و مبارزه آزادیخواهانه و سوسیالیستی در جنبش آزادی زن، ضرورت پیدا کرده است. رهائی زن بدون تشدید مبارزه طبقاتی و پیروزی صف کارگر و سوسیالیسم بر نظام طبقاتی حاکم سرمایه داری ممکن نیست!

نفس ستمکشی و فرودستی زن محصول نظام طبقاتی حاکم سرمایه داری نیست، اما سرمایه داری بنا به نیاز سیاسی، فرهنگی و به ویژه نیاز اقتصادی خود این میراث نفرت انگیز را تکامل بخشیده است و به تقسیم بندی جنسی

صفحه ۲

صفحه ۶

کارنامه چهل ساله حکومت اسلامی در رابطه با زنان و راه مقابله با آن

صفحه ۵

تحت حاکمیت حکومت اسلامی شخصیت و منزلت زن زیر پا گذاشته شده است

صفحه ۱۰

فراخوان روز جهانی زن

صفحه ۸

ایران جهانی برای کارگران

صفحه ۹

اخبار و گزارشات هفته‌ای که گذشت!

صفحه ۷

موج سراسری دستگیری های فعالان کارگری

قتل و خشونت علیه زنان تحت هر نام و بهانه ای محکوم است

صفحه ۷

کارگران جهان متحد شوید!

زنده باد روز جهانی زن...

انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی و سودآورنده، به این ستم دیرینه چنان رنگ "مردن" و طبیعی بخشیده که نمیتوان به آسانی و بدون مبارزه سخت و قهرآمیز، بدون حضور گسترده زنان و مردان از ادیخواه علیه نظام طبقاتی این ستم نهادینه شده ر، چه در شکل و قیاحت "مردن بورژوائی" و چه در شکل عریان و هولناک مذهبی، از سر راه برداشت و جامعه ی عاری از ستم و تبعیض و بدون وجود ستم و نابرابری بر حسب جنسیت متحقق گردد. از جمله تحت پرچمهای فریبکارانه بورژوائی ملیگرایانه ناسیونالیستی و شونیستی، ملیت و میهن پرستی، سکولاریستی، پادشاهی، جمهوری خواهی، فدرالی، دموکراسی طلبی، پارلمانتاریستی، اصلاح طلبانه، اسلام معتدل، حقوق بشر، فمینیستی و غیره هرگز نمیتوان به آزادی زن و برابری انسانها دست پیدا کرد، همچنانکه در طول تاریخ بشری در هیچ جایی دنیا از این مسیرها نه فقط به آزادی و برابری واقعی نائل نگردیده ایم که همواره با ستم مضاعف و تداوم نابرابری و ستم شرم آور بر زن در اشکال مختلف مواجه بوده ایم.

در ایران تحت حاکمیت ایدئولوژی اسلامی، به عنوان ارکان ضد زن نظام بورژوائی حاکم، چهار دهه است شاهد یک سیسم تمام عیار آپارتاید جنسی هستیم. شاهد جنایت و سرکوب و وحشگری بیشمار در شکل تحمیل حجاب و پوشش اسلامی و قوانین به شدت ضد انسانی مانند سنگسار، تجاوز، نابرابری، جدا سازی، اسید پاشی و جاری کردن بی حقوقی کامل زن و گسترش فرهنگ لمپنی ضد زن و مرد سالارانه هستیم. در چنین جوامعی که بنا به حاکمیت دولت اسلامی، مذهب و مرد سالاری علیه زن افسار پاره کرده است، تردیدی نیست باید دوباره در صدد افسار زدنش برآمد، و باید علیه کلیه مظاهر مذهبی و ضد زن در حاکمیت و جامعه و خانواده

بود. اما نباید فراموش کرد که پایان قوانین و مظاهر ارتجاعی مذهب، با تمام اهمیتی که دارد، هنوز مترادف با رهایی واقعی زن نیست و نخواهد بود. چنین تصویری که بر مبنای نگاه صرف "سکولاریستی" و "ضد اسلامی"، در برخورد به پدیده ستم بر زن بنا نهاده شده است، به نفس مبارزه آگاهانه و واقعی زنان و جنبش سوسیالیستی ما برای کسب همه آزادیها و برابریها را تضعیف و مخدوش کرده است. این نگاه بورژوائی و خرده بورژوائی به آزادی زن و واقعیت جدا ناپذیری این مبارزه از مبارزه طبقاتی، و شناخت این پدیده ساده که بقای چنین ستمی رکن مهمی از بقایای نظام حاکم طبقاتی حتی در پیشرفته ترین نظامهای سرمایه داری است، ما را دور نگاه میدارد. و بدین ترتیب مانند بقیه هیاهوهای "عامه پسند" فرمان قطار آزادی زن را در اختیار هر جنبش پوپولیستی، ملی گرایی، "اسلامی معتدل"، اصلاح گرایان" و غیره میدهد بجز صاحبان واقعی خود آن جنبش و مبارزین آگاه سوسیالیست ضد سرمایه داری و مبارزین راستین رهایی قطعی از این ستم و نابرابری.

هیچ پدیده ای در جهان امروز غیر طبقاتی نیست تا بتوان امر آزادی زن را غیر طبقاتی توضیح داد! چنین رویکردی به زیان قطعی جنبش رهایی زن تمام میگردد، همچنانکه تا بحال نیز چنین بوده است. کلیه مظاهر و سنتهای مورد اشاره اگر چه عقب مانده و اسلامی و مرد سالارانه و ملی گرایانه و ارتجاعی اند، اما کلیه آن سنن و مظاهر و عقب ماندگی حاکم انعکاسی از سیاست و عملکرد دولتها، احزاب و جنبشهای هستند که خود بخش تفکیک ناپذیری از جهان امروز سرمایه داری اند، نه تعلقشان به دوران قرون وسطی پیشا سرمایه داری. با در نظر گرفتن این حقایق و با پای فشاری بر ضرورت مبارزه هر روزه در جهت عقب راندن ارتجاع ضد زن، اما باید کاملا واقف بود که پایان

دادن ستم بر زن در گروه عبور کامل از کلیه وجوه نظام طبقاتی حاکم و ارکانهای ایدئولوژیکی مذهبی و ملی و فرهنگی و اجتماعی آن است. بدون کنار زدن نظام سرمایه داری و بدون استقرار سوسیالیسم و یک نظام بدون طبقه نمیتوان اعمال ستم و نابرابری بر زن و هیچ شکلی از تبعیض و استثمار را ریشه کن نمود.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، در راستایی رسیدن به هدف خود، یعنی برابری زن و مرد و رفع تبعیض بر حسب جنسیت، و تحمیل رادیکالترین مطالبات پیشرو جنبش آزادیخواه زنان، همه زنان و مردان آزاده و مبارزین راه آزادی و برابری را به پیوستن به تلاش مشترک برای تحقق مطالبات آزادیخواه زیر فرا میخواند:

۱- برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی، تحزب، تشکل، تجمع، اعتراض و اعتصاب برای هر فرد و هر نهاد و تشکل مدافع برابری زن و مرد. و ممنوع شدن هر شکلی از ایجاد محدودیت، فشار و تعقیب فعالین این عرصه.

۲- برابری کامل زن و مرد در کلیه سطوح اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، خانوادگی و سیاسی. پایان دادن به امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان.

۳- برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی، اشتغال، قوانین کار و بیمه بیکاری و بیمه های اجتماعی بدون هیچ نوع تبعیضی، مزد برابر درازای کار مشابه برای زنان و مردان، ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد.

۴- لغو کلیه قوانین عقب مانده فرهنگی، ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است، لغو هر نوع محدودیت سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متأهل، لغو جنایت ازدواج اسلامی کودکان زیر ۱۸ سال، لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت، و در ازدواج و طلاق مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات، آموزش و پرورش، اجتماعات، معابر و سائل نقلیه عمومی. ممنوعیت هر نوع دخالتی در روابط شخصی، عاطفی و جنسی زنان از جانب دولت، مقامات، جامعه و خانواده.

۵- اعلام روز جهانی زن (۸ مارس / ۱۷ اسفند) به عنوان روز تعطیل رسمی در کشور و حق برخورداری از آزادی هر شکلی از تجمع، اعتراض، اعتصاب و جشن و گردهمایی به این مناسبت.

۶- آزادی فوری کلیه فعالین عرصه زنان و مدافعین برابری زن و مرد در زندان

حزب سوسیالیست انقلابی ایران ضمن تبریک روز ۸ مارس، روز همبستگی جهانی زنان و مردان آزاده به کارگران، زنان و صف آزادیخواهان، همه زنان و مردان آزادیخواه و سوسیالیست، کارگران و جوانان پیشرو، و کلیه کسانی که خواهان پایان دادن به تبعیض علیه زنان، تداوم نابرابری بین زن و مرد، و ستم بر مبنای جنسیتی هستند به صفوف خود فرامیخواند.

زنده باد برابری زن و مرد!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
نابود باد نظام سرمایه داری!
زند باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران
iransocialist2017@gmail.com

۲۷ بهمن ۱۳۹۷-۱۶-۲۰۱۹

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گفتگوی نشریه "سوسیالیسم امروز" با رفقا مینا تهرانی، آدر کیمیا، تینا خلیفه ای، و جلال ش. از فعالین حزب سوسیالیست انقلابی

به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن (۱۳۹۷-۲۰۱۹)

سوسیالیسم امروز: موقعیت جنبش زن را نسبت به سال گذشته، چگونه ارزیابی میکنید؟ و در ایران تحت حاکمیت این رژیم و فرهنگ و سنن و قوانین اسلامی و مرد سالارانه زنان از چه موقعیتی برخوردار هستند؟

مینا تهرانی: به نظر من جهش بسیار خوبی نسبت سال قبل این جنبش داشته و در مدیا داخلی و خارجی و فضاهای مجازی نیز باز تاب فرا گیر داشته و با طنز و تبلیغات گسترده و برقراری محافل بحث و گفتگو در این زمینه و تهیه کتب و مقاله و فیلمهای آموزشی در سراسر کشور به این موضوع پرداخته، گویی اینکه جامعه تا حد بسیار زیادی به این موضوع اشراف پیدا کرده و زنان و دختران بابرگذاری انواع کمپین های نه به حجاب نه به زندانی سیاسی و شکنجه نه به حقوق برابر زیر خط فقر کارگران و بزنشستگان و تهیه کلیه اعتراضی در فضاهای مجازی واقعا به تمام مواردی که به زن و حقوق او مربوط میشده حتی در روستاها هم صحبت از حق و حقوق و آزادی و برابری میکنند. چرا از این ثروت بیکران نفت و گاز و منابع مختلف عده بسیاری بی نصیب مانده و میلیارد ها دلار و طلا و حقوقهای نجومی به تعداد قلیلی اختصاص یابد. بنظر من الان بهترین موقعیت برای خود آگاهی بیشتر زنان به امر رهائی خود از جمله از راه روی آوری به سوسیالیسم به عنوان تنها راه رهائی قطعی از تبعیض و نابرابری بر حسب جنسیت است. برقراری سوسیالیسم که ضامن آزادی و برابری زن و مرد در تمام شئون است، از اتحاد زنان پیشرو و سوسیالیست همراه با طبقه کارگر میسر میگردد نه الزاما "همه زنان با هم" چرا که بخشی از زنان با وجود دیدن ستم جنسیتی و نابرابر بر خود در صف دشمنان آزادی و در صف طبقه سرمایه دار قرار دارند. سوسیالیسم میتواند پاسخی بجا و منطقی برای نه تنها پایان دادن به ستم بر زنان که راه پایان دادن به معضلات گسترده و دیرینه کشور نیز باشد.

آدر کیمیا: نسبت به سال گذشته به همت مبارزات که صورت گرفته از جمله گسترش مبارزه کارگران و مبارزه بخشی از زنان علیه حجاب و دیگر فشارهای رژیم میتوانیم بگوئیم گامی رو بجلو بر داشته ایم. اما هنوز راه بسیار طولانی برای رهائی کامل پیش رو داریم. منافع سرمایه داری موجود در ایران حکم می کند که وضعیت زنان و شرایط زندگی زنان درد آورتر از همیشه باشد. بنا به موازین اسلام و دستورات ولایت فقیه زنان جامعه حتی نیمه انسان هم به شمار نمی آیند در چنین جامعه ای و مناسبات کالایی که مردان مالک مطلق زنان هستند و زن هیچگونه تصمیم گیری برای زندگی و سرنوشت خویش ندارد چگونه می توان از حقوق بشر دم زد؟ بی حقوقی زنان در ایران در تمامی عرصه ها و وضعیتی را موجب گشته تا زنان در کنار مردان مترقی و آزادیخواه در صف نخست مبارزه و مقاومت باشند و علیرغم سرکوب خفقان شکنجه و کشتار هیچگاه علیه حکومت از پای ننشینند. خلاصه بگوئیم ما پیشرویهایی داشته ایم اما هنوز از وجد یک صف آگاه و پیشرو که متحد و همصدا باشد علیه کل حاکمیت، همه قوانین مذهبی، فرهنگ مرد سالاری، و به ویژه علیه سیستم سرمایه داری که از راه مذهب زن را به کلاه های بسیار ارزان برای خود تبدیل کرده است متأسفانه فاصله زیادی داریم و تنها راه واقعی ما نیز پر کردن این فاصله است. مناسب روز جهانی زن میتوانیم گامی در جهت پر کردن این خلا باشد.

تینا خلیفه

ای: جنبش زنان در سال گذشته پستی و بلندی های زیادی به خود دیده چه از نظر اجتماعی-فرهنگی و چه از نظر سیاسی-فکری که بعضی از آن ها موفق و تاثیر گذار و برعکس بعضی دیگر به بیراهه ی رسانه ای و جهانی کشیده شد و ماهیت انقلابی خود را از دست داد. جنبش زنان

اساساً جنبشی مستقل و خودگردان است که آزادی های زن را به چالش میکشد و موقعیت فرودست زنان در نظام حاکمه را قبول ندارد حال یا بدنه دنبال تغییر است یا اصلاح قوانین و آدابی است که دولت و جامعه مرد سالار به او تحمیل میکند. خواسته های زنان پس از اشتغال به

ترتیب
همچنان افزایش مراکز فرهنگی و تفریحی، آزادی و امنیت، بهبود مسائلی معیشتی، باور به توانایی های زنان، امکانات تحصیلی و اصلاح قوانین و مقررات مدنی و جزایی تبعیض آمیز علیه زنان بوده است که با سرکوب و تهمت بسیاری از جانب حکومت مواجه شدند، افراد فعال و زنانیانی زن و فعال اجتماعی که در ابتدا با ایجاد محافل و تشکلهای غیررسمی به طرح مطالبات زنان و ضرورت ایجاد جنبش مستقل زنان پرداختند و تجربه کار مستقل و زنانه را به آزمایش گذاشتند. مانند سپیده قلیان، نرگس مجیدی، آتنا دائمی و ... وعده های انتخاباتی دولت اصلاحات و زنان کاندید و هم سو با این جریان با مطالباتی که موقوف به تهیهی لوازمی به منظور رفع تبعیض در قوانین موجود، بکارگماردن زنان در سطوح متوسط و بالای مدیریتی، مشارکت در ارکان قدرت، صلح، رفع تحریمها و پرهیز از ادبیات جنگ طلبانه، اجرای

قوانین
اساسی در حوزه مسائل زنان و امثال آن بود که عمدتاً از سوی زنان میانه و اصلاح طلب متشکل در «مجمع زنان اصلاح طلب»، «جمعیت زنان مسلمان توانمند» و «اتحاد اسلامی زنان» عنوان شد. آن طور که دبیر اتحاد اسلامی زنان در این نشست ادعا کرد ظاهر این خواسته ها با برنامه ارائه شده از سوی روحانی همپوشانی داشته است. که هنوز هم در حالی که دوره دوم دولت روحانی دارد به نیمه می رسد مشخص شده که حتی این به ظاهر مطالبات حداقلی زنان نیز در چهار چوب برنامه های دولت و حاکمیت نه تنها نمیتواند به رفع ستم بر زن و رهائی او منجر گردد که بیش از پیش زن را در چهار چوب عوامفریبانه اصلاحات و قوانینی که بر مبنای ضدیت با زن تدوین شده است نگاه می دارد. بنابراین "تغییراتی" که در این دوره در مورد زنان انجام شد مثل سال های قبل بیشتر ایجاد و پیرینی جذاب برای نشان دادن به غرب بود و زنان همچنان درگیر مسائل گذشته بودند: تبعیض در تمامی عرصه ها. در این برهه ای زمانی، بسیاری از فرودستان و از جمله زنان به مرز عصیان رسیده بودند و پیش از اینکه متولیان جنبشها به خود بجنبند آن ها را پشت سر گذاشته بودند. چند روز قبل از شروع اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶، دختری در ابتدا بی ادب و نشان با حرکتی تابوشکن در خیابان انقلاب تهران، در اعتراض به حجاب اجباری روسری خود را به چوب بست و بدینسان در برهه ای که سایر فرودستان نیز کارد به استخوانشان رسیده بود، پرچم مبارزه را به اهتزاز درآورد و موجی را دامن زد که طی آن زنان و مردان بسیاری در همه شهرها این حرکت نمادین را دنبال کرده و به حجاب اجباری "نه" گفتند و با این "نه" گفتن، عملاً شا هرگ رژیم مذهبی را نشانه رفتند.

ادامه ←

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی!

گفتگوی نشریه سوسیالیسم امروز با...

تینا خلیفه ای:

اکنون و با گذشت نزدیک به یک سده از مبارزات زنان ایران هنوز در جایبایستاده‌ایم که باید بگوییم زنان از دیدگاه سیستم حاکم در جایگاه انسان و با حقوقی برابر با مردان در نظر گرفته نمی‌شوند و حقوق ابتدا بی آنان همچون حق طلاق، حق حضانت فرزندان و یا حق داشتن پاسپورت و سفر کردن بدون تأیید و اجازه همسرانشان از آنان سلب شده است. اما این تمام مشکل نیست اگر چه تلاش بزرگی وجود دارد که مشکلات متعدد و پیچیده زنان ایران را با همه تنوع‌عاشان به این موارد مهم اما کلی تقلیل دهد. همزمان با سیاست کنترل همه جانبه زنان از سوی حکومت، مردان، دست‌کم بخشی موثر از آنان، متأثر از فرهنگ تاریخی مردسالار، در جایی که از مشارکت دموکراتیک در قدرت برابر محروم شده‌اند کوشیدند از رهگذر اعمال سلطه بر زنان و کنترل آنان در حوزه خصوصی و فضاهای عمومی که از کنترل حکومت خارج است، قدرت انکار شده خود را بازیابی کرده و به این شکل "هویت مردانه" خویش را در پیوند با سرکوب زنان تقویت کنند. آخرین باری که زنان ایران در روز «هشت مارس» به خیابان‌ها آمدند ۱۷ اسفند ۱۳۸۵ بود: خیابان بهارستان، مقابل ساختمان مجلس؛ جمعی که در نهایت با ضرب و شتم و بازداشت شرکت‌کنندگان آن تمام شد. پس از آن، با تشدید فضای امنیتی، تا ۱۱ سال امکان فراخوان دادن برای تجمع «روز جهاد زن» وجود نداشت. یکی از فعالان حقوق زنان که فراخوان تجمع هشت مارس امسال راداده‌اند، با اشاره به این که جنبش‌های اجتماعی در دوره‌های اوج و فرودشان شیوه‌های مختلفی را می‌آزمایند، «این سال‌ها، از ۸۵ تا الان، سال‌های پر تشبیب و فرازی بود. ما کمپین‌های مختلفی را پشت سر گذاشتیم، بحث‌های نظری فراوان کردیم. به میان مردم رفتیم، و گروه‌های مختلف رسمی و غیررسمی تشکیل دادیم، و حالا همگام با دیگر مردم که به بازپس‌گیری خیابان اقدام کرده‌اند، آماده‌ایم و آمدن ما تا حق خود را از خیابان‌های شهرمان طلب کنیم. علاوه بر پررنگ بودن توجه به مشکلات معیشتی و اقتصادی، اعتراض به حجاب اجباری از نکات مهم‌تر هر دو بیانیه است، هر چند برخی این انتقاد را مطرح کرده‌اند که، پس از حرکت‌های دختران خیابان انقلاب و بازداشت و سرکوب آن‌ها از سوی پلیس، فعالان داخل کشور توجه لازم و کافی را به این مسئله نداشته‌اند، و به نظر می‌رسد حجاب همچنان در فهرست اولویت‌های جنبش‌زنان ایران قرار نگرفته است. البته، نباید فراموش کرد که مخالفت با حجاب اجباری همچنان یکی از خط‌قرمزهای حکومت است که می‌تواند هزینه سنگینی را به مخالفتش تحمیل کند. با این حال، به غیر از یک اشاره کوتاه به «لغو پوشش اجباری» در فهرست خواسته‌های «کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز»، این نخستین بار است که در دو بیانیه صادر شده از سوی فعالان حقوق زنان در داخل ایران، به حجاب اجباری، اعتراض شده است. اما بنظر من باید روسای سنتی مبارزه برای آزادی زن و توصل به سنت‌های رفمیستی و "یوشکی" و غیره را کنار گذاشت و مبارزه مستقیم و رادیکال‌تری علیه حاکمیت، مردسالاری، مذهب و هر پدیده‌ای که نافی برابری زن و مرد است بدست گرفت و به امر کل جنبش تبدیل گردد، از این‌رو راه حل به نتیجه رسیدن جنبش زنان سکولاریزه کردن مبارزات و راه حل سوسیالیستی و حق طلبانه است که جواب محکمی به ظلم و ستم و آپارتاید جنسی است.

جلال‌ش: برگزاری مراسم‌های باشکوه در مراکز شهر و محلات و محل کار، اعلام مطالبات آزادیخواهانه زنان در راستای برابری زن و مرد، شعار نویسی در همه جا به نفع زنان و علیه حاکمیت و مردسالاری و مذهب، اعلام مطالبه دست‌مزد برابر، علیه پوشش اجباری و کلیه قوانینی که نافی برابری زن و مرد است از جمله اقدامات مهمی هستند که به مناسب روز جهانی زن در ایران می‌توان انجام داد و طبعاً با حمایت و همراهی کارگران و همه مردان و جوانان آزاد اندیش و طرفداران برابری زن و مرد. بخشی از این تلاشها سیاسی-تبلیغی هستند، اما بخش مهمتر آن اقدامات عملی و گردهمایی و راهپیمایی و اعتراض می‌تواند باشد.

جلال‌ش: تجمعات اخیر زنان و درسال گذشته، چه در زندان، چه در کنار همسران زندانی خود. چه در مقام مادران زندانیان سیاسی و یا کشته شدگان، چه در مقام همسران مخالفان و چه..... همراهان همیشگی جنبش زنان هستند و تا امروز سکوت اختیار نکرده‌اند و منفعل نبوده‌اند. حکومت ایران با آویزان شدن به ریسمان حکومت الهی هر سرکوب و جنابیتی را توجیه میکند و هر حرکت تغییر طلبانه را عناد با دین و حکومت مینامد. اینجاست که جنبش زنان نیز دستخوش تغییر ساختاری می‌شود و از استراتژی اصلاح به سوی استراتژی تغییر حرکت میکند و خواهان تغییر قوانین تبعیض‌آمیز از مسیر امید بستن به سرنگونی کل حاکمیت مذهبی مهم‌ترین هدف خود قرار می‌دهد. واقعیت امر این است همچنان خشونت علیه زنان در خانه و خیابان و مدارس و محل کار حرف اول را می‌زند، اما همه باید بدانند بدون آزادی زنان آزادی در بند است و جامعه در غل و زنجیر! در هیچ کشوری بدون نقش پیشرو و یاری و همکاری زنان رهائی و آزادی متحقق نمی‌شود.

سوسیالیسم امروز: بنظر شما در روز ۸ مارس و قبل از آن چه کارهای به این مناسبت میتوان در شهرها، محلات و مراکز مختلف انجام داد تا پیام آزادیخواهانه و برابری طلبانه ۸ مارس را به همه جا برسانیم.

مینا تهرانی: به نظر من با برنامه ریزی و تهیه آفیش و بنرهای تبلیغاتی و جلسات بحث و گفتگو قبل از ۸ مارس باید شروع و برگزار کرد تا توجه جامعه زنان و مردان و جوانان به این موضوع مهم جلب کرد و در سطح جامعه از نظرات مختلف مردم اطلاع پیدا کرد مهم این است به اهمیت اینروز علل وجودی آن و عام و یا حاملین که باعث نابرابری و ستم و تبعیض علیه زن گردیده‌اند پی برده شود، و را مبارزه با آن را را بهتر پیدا نمود و جمعیت بیشتری از زنان و مردان برای پایان دادن به این ستم شرم آور اقدام نمایند. افشای حکومت اسلامی، قوانین مذهبی، مردسالاری و نظام سرمایه داری به عنوان منشاه اولیه اعمال نابرابری زن و مرد باید اطلاع رسانی کرد و جنبش راه انداخت. طی ۴۰ سال اخیر خصوصاً شاهد مبارزات زنان بطور جدی در بدست آوردن حقوق مادی و اجتماعی شان بودیم و حالا بعد از این همه سال تلاش باید نتیجه عملی از مبارزات خود را ببیندو این امر میسر نخواهد شد بجز در سایه سوسیالیسم! من توصیه میکنم زنان ایران اقدامات عملی علیه حجاب اجباری، قتل‌های ناموسی، تجدا سازبهای جنسیتی و اقدامات مشابه مشترک زنان و مردان آزادیخواه انجام دهند تا به کل سیستم و ظلمی که بر ما می‌رود نه بگوئیم.

آذر کیمیا: از نظر من راه حل نهایی برای برداشتن هر گونه ستم جنسیتی تنها بسنده کردن به خواست های حقوق زنان نیست بلکه ناظر کردن یک استراتژی سوسیالیستی بر جنبش زنان است که دلیل و ریشه این تبعیضات را همزمان نشان می‌دهد ما خواهان آزادی کامل و بدون قید و شرط و برابری کامل انسانها صرف نظر از رنگ و جنس به معنای واقعی هستیم مبارزه با ستم جنسیتی از مبارزه طبقاتی جدا نیست و از این رهگذر است که ما می‌توانیم وظیفه‌ای بسیار مهم و حیاتی برای پایان دادن به هر نوع ستمی که بر زنان بویژه در جامعه‌ای مانند ایران که معیارها جنسیتی است را برداریم مقدمه هر حرکت و هر حق خواهی آگاهی ست و زنان ایران امروز رفته رفته به این آگاهی رسیدند این راهی است که باید پیموده می‌شد تا زنان ایران اکنون اینجا ایستاده باشند مطالبات یک شبه ایجاد نمی‌شوند و یک شبه نیز محقق نمی‌شوند بدون آزادی زن جامعه آزاد نخواهد شد و بدون سرنگونی جمهوری ضد زن اسلامی زنان به حقوق خود دست نخواهند یافت برای کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم در دفاع از برابری بدون قید و شرط زنان و مردان باید زنان به آگاهی طبقاتی برسند.

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

تحت حاکمیت حکومت اسلامی شخصیت و منزلت زن زیر پا گذاشته شده است

صحرا ز

به همت مبارزات یکصد سال اخیر کارگران، کمونیستها و زنان مبارز موقعیت و فعالیت زنان در کشورهای پیشرفته و متمدن به نسبت ما در ایران و خاورمیانه پیشرفت بهتری کرده است. زنان توانسته اند در عرصه شغلی، خانواده، اجتماع و غیره حداقلهای از حقوق خود را کسب کنند و در مبارزات و اهداف خود تلاش بیشتر و چشمگیری داشته باشند و آگاهانه تر و آزادانه تر و بدور از قید و بندهای خرافاتی و اخلاقی و دینی به کار و زندگی ادامه دهند.

ولی در کمال یاس و تاسف در ایران تحت حاکمیت عصر حجر و قرون وسطایی چهل سال تمام است که هیچ گونه آزادی و برابری و قانون منصفانه ای برای زن وجود ندارد. حتی به نسبت گذشته نیز سخت گیر تر شده و رسوم و قانون ضد انسانی و ضد زن و مرد سالاری حاکم بر خانواده و جامعه شخصیت و منزلت زن را زیر پا گذاشته و تمامی شئون و کرامت یک بانو را در نقش مادر، خواهر، همسر، همکلاسی و همکار را بی ارزش کرده و عده ای معلول عقل و بیسواد حتی میتوانند زن را در ردیف حیوانات ببینند، که برای سواستفاده جنسی و کنیزی مرد در اختیار آنان قرار گرفته اند و مثل یک برده با زن برخورد کنند. در جامعه اسلامی زن هیچ موقعیت، منزلت، امنیت و اقتداری ندارد. موقعیت اجتماعی زن و دختر ایرانی روز به روز بدتر و غیر قابل تحمل تر می شود. در مدارس دختران خرد سال و ابتدایی باید (هد و مقنعه) سر کنند و دختران دانشجو در دانشگاه باید مانتوهای گشاد و بلند بپوشند ولی در عوض با این همه فشار و محدودیت و حجاب اجباری به دختران و دختر بچه ها در محیط علم و دانش تجاوز میشود و سر به نیست می شوند. و اگر بخواهیم مقاومت و مخالفت و مبارزه کنیم به زندان و شکنجه و تجاوز و اعدام محکوم می شویم. در اینجا آزادی و برابری حق و حقوق و شرف زن پایمال شده و از هیچ گونه حق و حقوقی بر خوردار نیستیم. در این حکومت اسلامی ضد زن روززنش هم علیه حرمت و آزادی زن است! حجاب، صیغه و فاطمه و عمد و علی و حسن و حسین و خمینی را درست کرده اند ضد انسان و ضد زن باشند نه روز زن!

اما تیش قلب و مبارزه ما با مبارزه زنان جهان در روز ۸ مارس به صدا در میاید و در اینجا علیه این حکومت وحشی ضد زن هر کاری از دستمان بر بیاید انجام خواهیم داد. متأسفانه ما زنان خودمان به دلیل اینکه از کودکی تا روز مرگ سرکوب و تحقیر شده هستیم، به راحتی نمیتوانیم اعتماد بنفس داشته باشیم، دور هم جمع شویم، و همراه با مردان آزاد اندیش انگونه که شایسته و سزاوار زن و آزادی زنان از قید و بند حاکم است مراسمی به این مناسبت انجام داد، راهپیمائی سازمان بدهیم و اعتراض بزرگی بکنیم و بتوانیم صدای اعتراض آمیز و کینه و نفرت عمیق خود از اوضاع حاکم بر ما به صدا در بیاوریم و پیام ازادیخواهانه، برابری طلبانه و حق طلبانه خود را در روز جهانی زن به همه جا برسانیم. جمهوری اسلامی سر ازدهای است که زن را از لحاظ اقتصادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی و حقوق اولیه انسانیش قربانی و ویران کرده است، ما زنان و مردانی که به دنبال رهایی خود و آزادی زنان از این همه ستم و نابرابری هستیم راهی بجز زدن کردن این ازدهای وحشی را نداریم. **زنده باد روز جهانی زن، مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم!**

درخواست عضویت از حزب

فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران

نام:

نام خانوادگی:

محل سکونت:

شغل:

علل پیوستن به حزب:

سابقه فعالیت سیاسی:

در چه زمینه ای علاقمند به فعالیت هستید؟

آیا کسی را در صفوف حزب می شناسید؟

تلفن:

ای میل:

اینجانب با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست و اهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می نمایم. متعهد میشوم که منظمًا به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسیپهای حزب متعهد بوده، و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم.

تاریخ...

امضا...

iransocialist2017@gmail.com

آدرس مایل ارسال
درخواست عضویت

www.simroz.org

ضروری است که حول مهمترین شعارها و مطالباتی که ماهیت، هویت و هدف مبارزه انقلابی طبقه کارگر، جنبش آزادیخواهانه زنان، جوانان، فرهنگیان و کارکنان مترقی، دانشجویان و دانش آموزان چپ و سوسیالیست و توده های گسترده زحمتکشان جامعه را نمایندگی میکند متحدانه به میدان آمد و در سراسر کشور آنها را پخش و باز تکثیر نمود، اهم آنها عبارتند از:

"زندانیان سیاسی آزاد باید گردند"، "آزادی برابری حکومت کارگری"،

"زنده باد برابری زن و مرد"، "نه به اعدام، شلاق، زندان و سرکوب"،

"نه به فقر و فساد و استثمار"، "نه به نیروی های مسلح حرفه ای و

ضد مردمی ارتش و سپاه و بسیج و اطلاعات و غیره"، " نه به

جمهوری اسلامی، نه به قلدری امریکا، نه به تحریم اقتصادی"، نه

قومی نه اسلامی نه فدرالی نه سلطنتی، مرگ بر جمهوری اسلامی"،

"دست مذهب از زندگی مردم، دولت و آموزش و پرورش کوتاه!"،

"آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی و تشکل و حزب"، "آزادی

بدون قید و شرط ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت"،

"پرداخت فوری دستمزد بالای زیر خط فقر به کارگران و مزد بگیران"

"ممنوع شدن اخراج و بیکار سازی کارگران و مجرم دانستن عدم

پرداخت به موقع دستمزد به کارگران"، ممنوع بودن هر شکلی از کار

کودکان"، "پرداخت بیمه بیکاری فوری برای همه افراد بیکار شده و

آماده بکار"، "زنده باد آزادی، برابری، رفاه و امنیت"، "زنده باد

جمهوری سوسیالیستی، مرگ بر جمهوری اسلامی" "زنده باد حزب

سوسیالیست انقلابی ایران"، "مرگ بر سرمایه داری"، "زنده باد

سوسیالیسم"،...

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

کارنامه چهل ساله حکومت اسلامی در رابطه با زنان و راه مقابله با آن

جلال ش



عکس های مشهورترین زن ایرانی در انتظار اعدام

محل سنگسار

محل یکی از مجازات های سنگسار در ایران



اسید پاشی



سیاهترین بخش کارنامه رژیم ایران در رابطه با زنان زندانها ی مخوف آن در سال های نخست انقلاب است. در جریان کشتار ها و اعدام های مخالفین و فعالین سیاسی در دهه شصت هزاران زن و دختر جوان در زندانها ی رژیم مورد شکنجه های طاقت فرسا و تجاوز مامورین و باز جویهای جنایتکار قرار گرفتند. با نگاهی به تاریخ ایران خواهیم دید زنان در تمامی جنبش ها و حرکت های اجتماعی حضوری فعال داشته اند. با روی کار آمدن نظام اسلامی سرکوبگر زنان برای مقابله با میدان دار شدن فرهنگ و سنن ضد زن در اولین روز جهانی زن در سال ۵۸ علیه آن و نتیجه ضد انقلابی ناشی از به شکست کشاندن انقلاب ۵۷ به وسیله دولتهای غربی و جریان ملی و اسلامی ها در ایران صورت گرفت نارضایتی خود را در مرکز شهر تهران به نمایش گذاشت، مبارزه ای که هنوز ادامه دارد و تا رژیم اسلامی در حاکمیت است این مبارزه ادامه دارد و آزادی زن با ماندن این سیستم در ایران ممکن نمی شود.

باید گفت بحران اجتماعی در ایران به مرز کائوس رسیده و دیگر جای انکار این قضیه نیست. در این حکومت حضور زنان در سیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، به تدریج کم رنگ تر گردید. تا زمانی که نظامی که بانی این ستم است، و تا زمانی که فرهنگ و نگرش های زن ستیز حاکم بر جامعه تغییر نکند، حتی تغییر در قوانین نیز با خود دستاورد پایه و ماندگاری در بر نخواهد داشت. چرا که انقلاب های اجتماعی بدون جهت گیری علیه دولت حاکم ضد زن و ذهنیت نظام مرد سالار به انجام نخواهد رسید. اگر سازمان ها، نهادهای مستقل زنان، مشکلات و مسائل تمامی زنان را سوای تفاوت های فرهنگی، دینی، مذهبی و نژادی را در دستور کار و برنامه های خود قرار دهند. اگر پایان دادن به ستم و نابرابری علیه زن به رهائی از دست کلیت نظام طبقاتی و مذهبی حاکم گره زده شود، میتوان به موفقیت و کسب دستاورد های در راه پایان دادن و حداقل کاهش ستم، نابرابری، جنایت و تبعیض علیه نصف جمعیت کشور، یعنی زنان، امیدوار بود.

زنان از ابتدایی به قدرت رسیدن حکومت اسلامی تا به امروز هر زمان در خانواده، محل کار، جامعه و آموزش و پرورش و غیره در حالت کشمکش و نبرد در برابر رویکرد ضد زن رژیم بوده اند. و در ازای عمر این رژیم قوانین جدیدی علیه زنان تصویب گردید. سن ازدواج دختران کاهش یافت.



حق طلاق به مردان اعطا شد. نظام چند همسری با تصویب قانون صیغه

بار دیگر رواج پیدا نمود. مامورین انتظامی رژیم به شکل وحشیانه ای در نوع پوشش دختران و زنان جوان دخالت میکردند. و دهها فشار و اعمار نابرابری و ستم دیگر. و زنان به قشری شکننده در برابر مشکلات اجتماعی مبدل شده اند چون هیچ قانون و حقوقی برای حمایت از آنان وجود ندارد.

در سال های اخیر آمار اعتیاد، ایدز، طلاق، کارتن خوابی، خودکشی، خود سوزی، زباله گری، و اکذاری رحم اجاره ای، و تن فروشی زنان رشد صعودی داشته و مشکلات آنان هر روز شکل جدیدی به خود می گیرد.

با سرکار آمدن حکومت جدید اسلامی، اولین کسانی که باز مورد هدف قرار گرفتند زنان بودند و اندک دستاورد ها و حقوق ناچیزی که پیش از انقلاب ۵۷ نیز زنان بدست آورده بودند، بعد از انقلاب ۵۷ از جانب جمهوری اسلامی و خمینی از آنان سلب گردید. لغو قانون حمایت از خانواده اولین اقدام ضد زن بود. و ملمسوس ترین نماد زن ستیزی رژیم نو پا جمهوری اسلامی تحمیل و تصویب قانون حجاب اجباری بود. و بدین گونه بار دیگر زنان را به پستوها و چارچوب وظایف مادری و همسر داری باز گرداندند. در این سیستم همه شئون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و اداری و فرهنگی حاکم به تبعیض جنسیتی موجب شده، بگونه ای که حتی بخش از زنان نیز متاسفانه خود را حقیر شمارند و زنان در جایگاه واقعی خودشان قرار نگیرند. و در چنین جامعه ای و نظام حکومتی که تابع مناسبات و اپس مانده متحجر مرد سالاری باشند و صدها خط قرمز و زندگی قالبی و تعریف شده برای زنان به وجود آورده اند، امکان تحول و تغییر اندک و جدی نیز نیست. هر چند بخشی از پیشرویهای که بوده حاصل مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه ما بوده است اما به نفع رهائی زن این حکومت غیر قابل اصلاح است!

ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!

موج سراسری دستگیری های فعالان کارگری و اجتماعی

زندان‌های مختلف در شهرهای دور و نزدیک ایران، این روزها شاهد موج جدیدی از ورود زندانی‌هایی است که جرم و جنایتی مرتکب نشده‌اند، گویا که کنون تنها کسانی تحت تعقیب قرار می‌گیرند که "جرم"شان دفاع از حقوق مردم، کارگران و زحمتکشان، تهنی‌دستان و مردم تحت ستم است.

این روزها به زعم مسوولان فقط کسانی "مجرم" اند که از حق انسان‌ها برای زندگی دفاع کنند، کسانی که بگویند: وجود کودک خیابانی، کارتن‌خوابی، گرسنگی، فقر و بیکاری، ننگی است بر استثمارگران، اختلاسگران، غارتگران اموال مردم، گیرندگان حقوق‌های نجومی و همه این معضلات حاصل حاکمیت سودطلبی مسوولانی است که به جای خدمت به مردم، تنها به فکر سرکوب و چپاول اموال آنانند.

وجود زندانیان سیاسی‌ای همانند اسمائیل عیدی، محمود بهشتی لنگرودی، محمد حبیبی، سعید شیرزاد، پیام شکیبا، مجید اسدی، زینب جلالیان، آرش صادقی و ... کافی نبود که بهنام ابراهیم زاده، مازیار سیدی، اسمائیل بخشی، امیر امیر قلی، امیر حسین محمدی فرد، ساناز الهیاری، سپیده قلیان، جعفر عظیم‌زاده، پروین محمدی و ... هم که تنها جرم‌شان دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان است، باید به زندان می‌رفتند تا تابلو دستگیرشدگان حامی حقوق کارگران تکمیل‌تر شود؛ در کنار آن دستگیری و آزادی موقت علی نجاتی، برگزاری دادگاه تجدیدنظر داوود رضوی و تفتیش منازل و احضار معلمان هم به آنها اضافه شد و صدور وثیقه‌های سنگین برای سه تن از دبیران کانون نویسندگان رضا خندان مهابادی، بکتاش آبتین، کیوان پاژند نیز چاشنی این مسائل شد تا نشان داده شود که دفاع از آزادی بیان هم بی‌عاقبت نخواهد ماند. ساخت و پخش سریال‌های مستند از اعترافات تحت فشار زندانیان نیز این تابلو را تکمیل کرد.

اما همواره نشان داده شده است که این بگیر و ببندها و سرکوب‌ها چاره درد قدرت‌طلبان نبوده و تنها آتش اعتراضات مردم را بیشتر خواهد کرد.

این دور باطل باید شکسته شود. آزادی بی قید و شرط و فوری تمام زندانیان سیاسی مرهم و مسکنی خواهد بود بر زخما و دردهای مردم به جان آمده از بیدادگری.

کانون مدافعان حقوق کارگر 22 بهمن 1397



قتل و خشونت علیه زنان تحت هر نام و بهانه‌ای محکوم است

متأسفانه طی روزهای گذشته دو مورد قتل و خودکشی زنان در شهر سنندج روی داده است. در مورد اول روز پنجشنبه ۲۱ بهمن در پارک کودک سنندج زنی بنام "لیلا حسین پناهی"

بوسیله ضربات چاقو و در مقابل دیدگان مردم نظاره‌گر به قتل رسیده است. فرد قاتل که همسر و در عین حال پسر عموی "لیلا حسین پناهی" نیز می‌باشد در جواب اعتراضهای مردم حاضر در صحنه که قصد میانجیگری داشته‌اند دلیل این کار را اختلاف خانوادگی عنوان نموده و ضمن تهدید مردم اعلام نموده که: زن خودم است و هر بلایی دلم بخواهد سر او می‌آورم!!! در مورد دوم نیز روز جمعه ۲۲ بهمن زن جوان دیگری بنام "سوما صلواتی" در منزل همسرش در خیابان نبوت دست به خودکشی زده و بوسیله طناب به زندگی خود پایان داده است. دلیل خودکشی ایشان را نیز اختلافات خانوادگی عنوان نموده‌اند. وقوع این دو فاجعه هولناک در فاصله بسیار کوتاهه موجی از خشم و انزجار مردم سنندج را که همیشه خود از پیشقراولان مبارزه برای رفع ستم و خشونت علیه زنان بوده‌اند در پی داشته است و بار دیگر این سوال را پیش روی همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب درون جامعه قرار داده است که این سیکل باطل و تکراری خشونت و کشتار زنان تا به کی ادامه دارد و منبع و سرچشمه این حجم از قساوت و درنده‌خویی چه چیزی می‌تواند باشد که به مردی اجازه می‌دهد که خود را مالک جان و زندگی زنی بداند.

با کمی تأمل جواب را می‌توان در فریادهای قاتل پس از به قتل رساندن همسرش یافت که رو به مردم، زن را متعلق به خود و جزو مایملک شخصی خویش بحساب آورده که اختیار دار جان او نیز می‌باشد. در سیستمی که مناسبات حاکم در آن بر پایه استثمار انسان از انسان استوار است و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید جزو مقدسات آن محسوب میگردد پس جای تعجب نیست که در فرهنگ مردسالار و ناموس پرست حاکم بر جامعه که با وضع انواع و اقسام قوانین قرون وسطایی سعی در محافظت از وضعیت موجود دارد مردی خود را صاحب و اختیار دار زن تلقی نموده و با تمسک به سنت های عقب مانده و ارتجاعی، انواع رفتارهای خشونت آمیز در جهت محافظت از این ملک شخصی را حق طبیعی خود بداند. ما جمعی از فعالین حقوق زنان سنندج اعلام می‌داریم که: زن ناموس هیچکس نیست اعمال خشونت بر زنان در اشکال گوناگون به بهانه‌های واهی محکوم است و از همه مردم آزادیخواه و برابری طلب سنندج خواستاریم تا به هر شکل ممکن ضمن محکوم کردن چنین اعمال ننگین و غیرانسانی راه را بر تکرار آنها ببندند.

«جمعی از فعالین حقوق زنان سنندج»

کامنتی از طرف سلام زیجی در باره اطلاعیه آن دوستان در صفحه عمومی فیس بوک

"دست نویسندگان و این فعالین درد نکنند! اما باید متقاعد شده باشیم که دیگر ارتجاع و فرهنگ قرون وسطی ضد زن را با بیانیه و مقاله صادر کردن صرف نمی‌توان پس زد! ضروری است گام بیشتری برداشت، باید جامعه را علیه آن شوراند، باید بیرون آمد علیه این جنایات هولناک به خیابانها ریخت، باید اعتصاب و اعتراض گسترده راه انداخت، باید شهر را پر از عکس این قربانیان کرد، باید کاری کرد هر شوهر و برادر و پدر و مذهب و اسلام و قرآن و آخوندی خواست چنین فضای اعمال وحشیانه‌ای علیه زن به وجود بیاید بفهمد که کل شهر سرش خواهد ریخت!، که جامعه دست بردار او و دولتش نخواهد بود!

دوستان عزیز تا زمانی که چنین جنبش و تحرکی سازمان نداد و به میدان نیآورد متأسفانه این جنایت به اقدام جنایتکارانه خود تداوم خواهد بخشید و ما هم با تکرار مکرر "زنده باد سنندج سرخ" مقداری خود را، و تشریفات و احزاب و محافظان را سرگرم نگاه میداریم!"

جهت اطلاع: کامنت سلام زیجی و چند کامنت دیگر که کم و بیش به حقایق فوق اشاره کرده بودند از جانب دوست یا دوستانی که اطلاعیه "جمعی از فعالین حقوق زنان سنندج" در صفحه عمومی شبکه فیس بوک انتشار داده بودند بعد از اعلام یک "معذرت می‌خواهم..." بی‌روح پاک شدند!، چرا؟ معلوم نیست!، اما یک اقدام بسیار ناپجا و بدون دلیل و نادرستی بود!، متأسفانه یکی با آجر میزند و وحشیانه جان کسی را میگیرد، یکی هم در "دفاع از قربانی"، آنقدر "آزادمنش" است، که نظرات سیاسی دیگران را، هر چند درست و اصولی و در جهت کمک به پیشبرد این مبارزه نیز باشند، به حکم سبکت بودنشان با یک کلیک اعدام" میکنند. این سننها، آنسوی سکه همان فرهنگ آجر کوبیدن بر سر زنان است!

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

ایران جهنمی برای کارگران

عزیز آجیکند

رهبران عملی و سوسیالیست جنبش است. بدون شک رشد فزاینده‌ی بیکاری و گسترش فقر و سیه‌روزی کارگران را نمی‌توان همواره با سرکوب اعتراضات و دستگیری و محکومیت فعالان کارگری پاسخ داد. تا زمانی که فقر هر روز افزایش می‌یابد و سرمایه‌داران و ماموران دولتی و نیروهای امنیتی در پی خالی کردن سفره‌های مردم و محدود کردن آزادی‌های فردی و اجتماعی هستند و شکاف طبقاتی هر روز وسیع‌تر می‌شود این بگیر و ببندها مشکلی را از حاکمان حل نخواهد کرد و بر مبارزات کارگران و زحمتکشان برای احقاق حقوق خود، تأثیری جز شدت یافتن آن نخواهد داشت.

**زنده باد همبستگی و اتحاد طبقاتی کارگران
مرگ بر حکومت فاشیستی جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم**

کارگران و اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران با خانواده کارگر زندانی، جعفر عظیم زاده دیدار کردند آنها خواهان آزادی کارگران زندانی شدند.
شنبه ۲۰ بهمن ۹۷



امروز یکشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۷، جمعی از کارگران شهرداری کرمانشاه، در اعتراض به دریافت نکردن ۸ ماه اضافه کاری و ۴ ماه دستمزد معوقه در مقابل ساختمان شهرداری این شهر اقدام به برگزاری تجمع کردند.



پلاکارد یک شهروند در راهپیمایی ۲۲ بهمن در میدان آزادی کرمانشاه
#تظفر
#بیکرانی
#بیککاری ... Visa mer



2 delningar

از اوایل سال ۱۳۹۷ تا به امروز شاهد گسترش اعتراضات کارگری علیه بی‌عدالتی‌ها بوده ایم. در این مدت هزاران کارگر در اعتراض به خصوصی‌سازی، بیکاری، دستمزدهای معوقه، نداشتن و پرداخت نشدن حق بیمه، تعطیلی مراکز تولید و آزادی کارگران بازداشت شده ... تجمع، تحصن و اعتصاب کردند. گسترش دستگیری و محکومیت‌های کارگران و فعالان کارگری، صدور حکم زندان و شلاق برای کارگران اعتصابی و هم چنین صدور حکم‌های زندان سنگین برای فعالان کارگری در ماه‌های اخیر، نشان از تشدید فشار بر کارگران در روزها و ماه‌های این سال دارد. شرایط سخت کارگران زندانی در زندانهای این رژیم و عدم رسیدگی به خواسته‌های همکاران آنها، حاکی از این است که دور جدیدی از بگیر و ببندها در پیش است. رژیم با دستگیری فعالین جنبش کارگری و ایجاد فضای امنیتی در جامعه در صدد ایجاد محیط رعب و وحشت و تحمیل یک فضای غیر انسانی در جامعه ایران به خصوص در این ایام روزهای به قدرت رسیدنشان است. فضائی که بر متن آن بتواند سرکوبها را بیشتر کند و اعتراضهای کارگری را بخواباند و دوباره در نمایشهای خیابانی خود به مناسبت جعل و روارونه جلوه دادن چهلمین سالگرد انقلاب توده‌های مردم علیه رژیم شاه تحت عنوان "انقلاب اسلامی"، برای خود عمری تازه بیافرینند.

فشار و سرکوب، بگیر و ببند و شکنجه فعالین کارگری در نظام جمهوری اسلامی پدیده تازهای نیست و به درازای عمر این رژیم وجود داشته است. اما تشدید این نوع فشارها بر فعالین جنبش کارگری در اوضاع سیاسی کنونی، دلایل مشخص تری دارد. رژیم به شدت نگران است که مبدا کارگران و مردمی که کارد به استخوان شان رسیده بپاخیزند و حقوق پایمال شده خود را به نیروی مبارزه خود تامین کنند. جنایتکاران رژیم از نقش کارگران پیشرو و فعالین مدنی در دوره کنونی به خوبی آگاهند. رژیم با آغاز موج جدید فشارها می خواهد از کل فعالین و پیشروان جنبش کارگری زهر چشم بگیرد. رژیم به خوبی می داند که اوضاع اقتصادی مدام نابسامان تر می شود و چشم انداز بهبود زندگی کارگران، معلمان و اقشار فرودست جامعه تیره و تار است. واقعیت این است که اعمال فشار از سوی جمهوری اسلامی بر رهبران کارگری و بی‌اعتنایی به فشارهای بین المللی و داخلی برای آزادی آنان، سیاست آگاهانه ای است که در بالاترین سطوح رژیم در مورد آن تصمیم گیری شده است. اعمال فشار بر فعالان کارگری، پیام دولت و سرمایه داری حاکم بر ایران به همه رهبران کارگری و کلیت جنبش کارگری است. بنابراین فعالین جنبش های اجتماعی نباید تردیدی به خود راه دهند که دولت "روحانی" و اصلاح طلبان حکومتی به اندازه جناح سپاه پاسداران و "اصول گرایان" وابسته به بیت رهبری در برنامه ریزی برای تشدید فشار به فعالین کارگری و فعالین دیگر جنبش های اجتماعی دخیل هستند.

ما فعالین جنبش کارگری ایران و احزاب و سازمانهای سیاسی وظیفه داریم دامنه افشاگری از سیاست های ضد کارگری جمهوری اسلامی را در این روزها شدت ببخشیم. ماضمن محکوم کردن این اعمال، اعلام میداریم که این رفتارها نمی‌تواند از گسترش اعتراضات کارگری جلوگیری کند. ما راه عقب نشینی به این یورشهای ضد کارگری رژیم گسترش متحدانه مبارزه در سراسر کشور و از جمله در مراکز بزرگ کارگری می دانیم، امری که وظیفه اولیه فعالین و

اخبار و گزارشات مهم کارگری و توده‌ای در هفته‌ای که گذشت!

تهیه و تنظیم: عزیز آجیکند



تجمع اعتراضی کارگران کارتن سازی در تهران

روز چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه، جمعی از کارگران "کارتن ایران" در اعتراض به مشکلات بازنشستگی با مشاغل سخت و زیان آور خود، مقابل ساختمان شعبه شش اداره تامین اجتماعی در تهران دست به تجمع زدند. کارگران شاغل در کارتن ایران که شمار آنها به بیش از ۳۵۰ نفر می‌رسد، سالهاست که در مشاغل سخت و زیان آور مشغول کار هستند اما از شش ماه پیش از پرداخت کامل حق بازنشستگی آنها خود داری می‌کند.

از پروین مجدی خبری در دست نیست

پروین مجدی نایب رئیس اتحادیه آزاد کارگران روز سه‌شنبه ۹ بهمن ۱۳۹۷ در خانه‌اش توسط ماموران کلانتری یازده فردیس کرج دستگیر شد. ماموران نه حکمی در دست داشتند و نه درباره دستگیری او به خانواده و دوستانش اطلاع‌رسانی کردند. آن‌ها وسایل شخصی او مانند گوشی تلفن همراه و لپ‌تاپ را ضبط کردند و او را به بازداشتگاه منتقل کردند؛ جایی که یک ساعت پیش از آن جعفر عظیمزاده رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران را نیز پس از دستگیری به آن جا منتقل کرده بودند. از آن زمان هیچ اطلاعی از او در دست نیست. به وکیلش اجازه دیدار و تماس نداده‌اند. زندان اوین تأیید کرده است که او در این زندان است. ظاهراً در بند ۲۰۹ زندانی است و ممنوع‌الملاقات است.

در میان خبرها

قتل و خشونت علیه زنان تحت هر نام و بهانه‌ای محکوم است

اطلاعیه جمعی از فعالان حقوق زن -سنندج طی اطلاعیه‌ای قتل و خشونت علیه زنان را محکوم کرده‌اند. توجه شما را به انتشار متن کامل اطلاعیه در این شماره نشریه سوسیالیسم جلب می‌کنیم.

کودکان کار در ایران، اسیر آرزوهای بی سرانجام

کودکان کار مهم‌ترین قربانی آسیب‌های اجتماعی هستند. این کودکان با آرزوهایی کوچک و بزرگ که باید برای برآوردن آنها تن به کار بسپارند و در لابلای حسرت‌های ناتمام، خیال‌های رنگارنگ خود را نقاشی کنند. همه ساله در سراسر ایران، صدها هزار کودک و زن برای سوء استفاده‌های جنسی، بردگی، تن فروشی و یا ازدواج اجباری، خرید و فروش می‌شوند. هم چنین حدود سه میلیون کودک نیز به دلیل فقر خانواده هایشان، وارد بازار کار بی رحم شده‌اند که بخش اعظم آنان مورد سوء استفاده‌های مختلف از جمله جنسی نیز قرار می‌گیرند. بیشتر از هشت میلیون کودک در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که یکی از والدین معتاد هستند. درصدی از این کودکان با خرید و فروش مصرف مواد مخدر درگیر می‌شوند که تا حدود یک سوم تخمین زده می‌شود. سن اعتیاد به ۱۲ یا برخی گزارش‌ها به ۱۰ سال رسیده است. یک میلیون و هفتصد هزار کودک در گروه سنی ۱۰ تا ۱۸ سال در کشور کار می‌کنند. در این آمار از کار کودکان در رده سنی زیر ده سال سخنی در میان نیست و این در حالی است که بسیاری بچه‌ها از همان خردسالی به کشاورزی و قالی بافی در شهرستان‌ها و کار در تولیدی‌ها و کارگاه‌های نیمه صنعتی در شهرها گمارده می‌شوند.

اعتصاب غذای جمعی در زندان شیبان اهواز در اعتراض به شکنجه زندانیان

جمعی از زندانیان سیاسی زندان شیبان اهواز همچنان در اعتصاب غذا به سر می‌برند.

فشار شدید به اسماعیل بخشی و سپیده قلیان برای اعترافات اجباری و نوشتن ندامت‌نامه

کانال مستقل کارگران نیشکر هفت‌تپه خبر داد که اسماعیل بخشی نماینده کارگران این شرکت و سپیده قلیان فعال مدنی، برای اعترافات اجباری دوباره و نوشتن «ندامت‌نامه» تحت «فشار شدید» قرار دارند. جمعی از کارگران نیشکر هفت‌تپه روز دوشنبه ۲۲ بهمن‌ماه، طی فراخوانی از کارگران، تشکل‌های کارگری، رسانه‌ها و نهادهای حقوق بشری در ایران و جهان، خواسته‌اند، به بازداشت مجدد سپیده قلیان و اسماعیل بخشی و اکنش نشان دهند و از دولت جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار و سازمان ملل متحد شکایت کنند. این گروه از کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه اعلام کردند که اگر تا روز چهارشنبه ۲۴ بهمن، اسماعیل بخشی و سپیده قلیان آزاد نشوند، «اقدامات دیگری» را در دستور کار قرار خواهند داد. سازمان عفو بین‌الملل نیز کپینی آنلاین را برای آزادی این دو نفر راه‌اندازی کرده و از مخاطبان خود خواسته است که ضمن امضای این درخواست به صورت آنلاین، از حسن روحانی درخواست کنند که آنان آزاد شوند.

چهارمین جلسه فعالان بازداشتی محیط زیست پشت درهای بسته

چهارمین جلسه محاکمه هشت فعال محیط زیستی صبح چهارشنبه ۲۴ بهمن پشت درهای بسته و به شکل غیر علنی در شعبه ۱۵ "دادگاه انقلاب" به ریاست قاضی صلواتی و با حضور مستشار دادگاه و کیلان تعیینی متهمان برگزار شد.

یک سال است که سام رجبی، امیرحسین خالقی، هومن جوکار، سپیده کاشانی، نیلوفر بیانی، طاهر قدیریان، عبدالرضا کوهپایه و مراد طاهباز در «بازداشت موقت» سازمان اطلاعات سپاه پاسداران هستند. دستگاه قضایی ایران سه نفر از این فعالان را به جاسوسی، یک نفر را به اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی و چهار نفر را به فساد فی‌الارض متهم کرده است. اتهام فساد فی‌الارض اتهام تازه‌ای برای فعالان محیط زیست است.

کشته و زخمی شدن دو کارگر در حین کار

در پی ریزش دیواره کانال در پروژه فاضلاب بافت تاریخی بوشهر، یک کارگر جان باخت و یک کارگر دیگر زخمی شد. گفتنی است که در حین فعالیت یک دستگاه بیل مکانیکی در پروژه فاضلاب بافت تاریخی بوشهر، بر اثر ریزش کانال و نشست دیواره کانال و همچنین نبود امکانات ایمنی کافی در محل کار یکی از کارگران در بین دیواره‌ها و آوار گیر افتاد و جان خود را از دست داد و یک کارگر دیگر نیز دچار مصدومیت شد. همچنین روز سه‌شنبه ۲۳ بهمن ماه، به دلیل نبود امکانات ایمنی لازم در محل کار، دو کارگر ساختمانی در بندرعباس در حین گودبرداری زیر آوار مانده و دچار مصدومیت شدند. به گفته معاون عملیات سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری بندرعباس، این کارگران هنگام گودبرداری ساختمانی در محله بهشت بندرعباس به دلیل فقدان امکانات ایمنی، زیر آوار مانده‌اند.

۲ هزار کشته در سال به دلیل حوادث ناشی از کار در ایران صورت می‌گیرد.

به‌گفته‌اکبر شوکت (عضو هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی) دو هزار کشته در سال به دلیل حوادث ناشی از کار در ایران صورت می‌گیرد. دو هزار کشته در سال به دلیل حوادث ناشی از کار، یکی از عمیقترین مشکلات کارگران در جامعه ایران می‌باشد. دو هزار کشته در سال به دلیل حوادث ناشی از کار، امری ساده نیست و متأسفانه محل کار برای کارگران شده یک قتلگاه که هر روز جان انسانها را در این محیط نامن می‌گیرد.

نشریه شنبه ها**منتشر میشود**

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار**مقالات در نشریه****سوسیالیسم امروز:**

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

فراخوان روز جهانی زن

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، طبقه کارگر ایران، جنبش آزادی زن، همه زنان و مردان آزاده و مبارزین راه آزادی و برابری را به پیوستن به تلاش مشترک حول مطالبات آزادیخواهانه زیر فرا میخواند:
۱- برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی، تحزب، تشکل، تجمع، اعتراض و اعتصاب برای هر فرد و هر نهاد و تشکل مدافع برابری زن و مرد. و ممنوع شدن هر شکلی از ایجاد محدودیت، فشار و تعقیب فعالین این عرصه.

۲- برابری کامل زن و مرد در کلیه سطوح اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، خانوادگی و سیاسی. پایان دادن به امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان.

۳- برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی، اشتغال، قوانین کار و بیمه بیکاری و بیمه های اجتماعی بدون هیچ نوع تبعیضی، مزد برابر درازای کار مشابه برای زنان و مردان، ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد.

۴- لغو کلیه قوانین عقب مانده فرهنگی، ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است، لغو هر نوع محدودیت سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متأهل، لغو جنایت ازدواج اسلامی کودکان زیر ۱۸ سال، لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت، و در ازدواج و طلاق مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات، آموزش و پرورش، اجتماعات، معابر و وسائل نقلیه عمومی. ممنوعیت هر نوع دخالتی در روابط شخصی، عاطفی و جنسی زنان از جانب دولت، مقامات، جامعه و خانواده.

۵- اعلام روز جهانی زن (۸ مارس/ ۱۷ اسفند) به عنوان روز تعطیل رسمی در کشور و حق برخورداری از آزادی هر شکلی از تجمع، اعتصاب، اعتراض، جشن و گردهمایی به این مناسبت.

۶- آزادی فوری کلیه فعالین عرصه زنان و مدافع برابری زن و مرد در زندان حزب سوسیالیست انقلابی ایران ضمن تبریک روز ۸ مارس، روز همبستگی جهانی زنان و مردان آزاده به کارگران، زنان و صف آزادیخواهان، همه زنان و مردان آزادیخواه و سوسیالیست، کارگران و جوانان پیشرو، و کلیه کسانی که خواهان پایان دادن به تبعیض علیه زنان، تداوم نابرابری بین زن و مرد، و ستم بر مبنای جنسیتی هستند به صفوف خود فرامیخواند.

زنده باد برابری زن و مرد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

نابود باد نظام سرمایه داری!

زند باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org

اخبار و گزارش ...

آنها از روز چهارشنبه ۱۷ بهمن ۹۷ در اعتراض به شکنجه زندانیان سیاسی و تفکیک نبودن زندانیان سیاسی از زندانیان جرایم دیگر، اقدام به اعتصاب غذای جمعی کردند.

ادامه آزار و اذیت زنان زندانی قرچک

چند روز پس از آتش سوزی و ضرب و شتم زندانیان زن در زندان قرچک از سوی مأموران این زندان، اخیراً حدود ۲۰ نفر از زندانیان به سلول های انفرادی و تعدادی از آنها نیز به زندان اوین منتقل شده اند. تنبیه زندانیان معترض تنها با گاز اشک اور و ضرب و شتم و انتقال به انفرادی و زندان های دیگر ختم نشده است، بلکه آنها طی این روزها محروم از گاز و برق و امکان هواخوری هستند و بمدت دو روز نیز وعده غذایی آنها قطع شده است. لازم به یادآوری است که در ساعات اولیه بامداد جمعه ۱۹ بهمن ماه، مأموران زندان بر روی زندانیان معترض بند یک و دو زندان زنان قرچک گاز اشک اور و فلفل شلیک کرده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. زندانیان پس از شلیک گاز اشک اور برای نجات خود، پتو و لباس های خود را آتش زدند، که موجب آتش سوزی در زندان شد.

اخراج و بیکارسازی موقوف!